

دکتر دیو متیوسون، مکاشفه، سخنرانی ۱۹، مکاشفه ۱۳، دو جانور

دیو متیوسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر دیو متیوسون هستم در دوره آموزشی‌اش در مورد کتاب مکاشفه. این جلسه شماره ۱۹ در مورد مکاشفه، فصل ۱۳، دو جانور است.

پس از توصیف وحش اول به عنوان عامل شیطان در فصل ۱۲ و طرح چندین ارتباط با آن، نویسنده اکنون در آیات ۳ تا ۸، شروع به توصیف عملکرد وحش و نحوه واکنش مردم می‌کند.

اگر قرار باشد وحش را با امپراتوری روم و/یا امپراتور مرتبط کنیم، اکنون خواهیم دید که امپراتور در سراسر امپراتوری روم چه کرد و خواهیم دید که مردم چگونه به آن واکنش نشان دادند. اول از همه، توجه داشته باشید که وحش، همانطور که قبلاً چند بار اشاره کردیم، ادعا می‌کند که مورد پرستش و وفاداری جهانی است. به دلیل شکست‌ناپذیری ظاهری‌اش، اکنون تمام جهان از وحش پیروی می‌کنند و آنها هم ازدها و هم وحش را می‌پرستند.

ممکن است که حداقل در یک سطح، این [تصویر] باشد، اگرچه در سطح وسیع‌تر، این می‌تواند فقط نمایانگر درک مردم از روم و دیدگاه آنها نسبت به روم و وفاداری آنها به روم باشد. به طور خاص‌تر، این می‌تواند نمایانگر شکلی باشد که به شکل فرقه امپراتور درمی‌آید. بنابراین آنچه در اینجا به تصویر کشیده شده است، ملتی است که قدرت خود را مطلق کرده و اکنون، با تکبر و غرور، خواستار پرستش و وفاداری است. فقط متعلق به خدا و بره است.

به این سوال جالب توجه کنید: سوالی که آیه ۴ با پاسخ مردم به این سوال پایان می‌یابد که چه کسی مانند وحش است و چه کسی می‌تواند علیه او بجنگد؟ این سوال یا این زبان لزوماً به این معنی نیست که یک نفر به معنای واقعی کلمه این را بیان کرده باشد، بلکه صرفاً نگرش نسبت به روم و نحوه به تصویر کشیدن روم و نحوه نگاه مردم به روم را نشان می‌دهد. این زبان دوباره از عهد عتیق آمده است. به عنوان مثال، در خروج فصل ۱۵، سرود موسی، که شاهد اجرای آن خواهیم بود، کمی بعدتر در متنی در مکاشفه نقش کلیدی ایفا می‌کند. در خروج فصل ۱۵ و آیه ۱۱، پس از نجات بنی‌اسرائیل از مصر، آنها از دریای سرخ عبور می‌کنند و اکنون سرود موسی را می‌خوانند.

آیه ۱۱: کیست در میان خدایان مانند تو، ای خداوند؟ کیست مانند تو؟ باشکوه در قدوسیت، مهیب در جلال، و معجزات انجام می‌دهد. اشعیا فصل ۴۴ و آیه ۷ یکی دیگر از آیات جالب است. گاهی اوقات می‌توانید مزمور فصل ۸۹ و آیه ۱۰ را نیز جستجو کنید.

اما اشعیا فصل ۴۴ و آیه ۷ و نکته قابل توجه در مورد اشعیا ۴۴، یکی از آن متونی است که می‌گوید، شما اولین و آخرین هستید. نکته مهم این است که تنها خدا شایسته پرستش در زمینه بت‌پرستی است. پرستش یا وفاداری به هر کس یا هر چیز دیگری غیر از خدا، بت‌پرستی است.

و، بنابراین در فصل ۴۴ و آیه ۷ از کتاب اشعیا، آیه ۷ را می‌خوانیم، پس کیست مانند من؟ خدا می‌گوید بگذارید او آن را اعلام کند. بگذارید او آنچه را که از زمانی که قوم باستانی خود را تأسیس کردم، اتفاق افتاده است، اعلام کند و پیش روی من قرار دهد. بنابراین این مضمون، چه کسی مانند من است یا چه کسی مانند خداست، اکنون دوباره در یک تقلید مسخره‌آمیز، به جانور نسبت داده می‌شود و مردم می‌گویند چه کسی مانند جانور است و چه کسی می‌تواند علیه او بجنگد.

بنابراین، وحش را باید در چارچوب تقلید شیطانی از خدا درک کرد. و من فکر می‌کنم با اضافه کردن به این ایده تثلیث نامقدس، تقلیدی منحرف از تثلیث حقیقی، و اکنون توصیف کفر و بت‌پرستی که به دلیل ادعاهایی که خود روم مطرح می‌کند، رخ می‌دهد. آنها مانند هر امپراتوری دیگری در عهد عتیق هستند که اقتداری را که فقط متعلق به خداست، ادعا می‌کردند، قدرت خود را مطلق می‌کردند، ادعای قدرت و الوهیت مطلق داشتند و قوم خدا را به شیوه‌ای غیرخدایی و بت‌پرستانه سرکوب می‌کردند.

نکته دوم این است که توجه داشته باشید که وحش در محل سکونتش به خدا کفر می‌گوید و نام او را بدنام می‌کند، که احتمالاً اشاره به فصل ۷ دانیال و آیات ۶ تا ۸ دارد که در آنجا می‌بینیم وحش کاری مشابه انجام می‌دهد. این بار دیگر ممکن است اشاره‌ای به فرقه امپراتور باشد. همچنین ممکن است نگاهی به کل روم باشد، اما این ممکن است به طور خاص‌تر منعکس کننده فرقه امپراتور و حتی ادعاهای خدایی باشد که دومیتیان مطرح کرده است؛ به عنوان مثال، اگر این امپراتوری حاکم بر زمان نگارش مکاشفه باشد، خدایی که خود دومیتیان ادعا می‌کرد و وفاداری و تحسین‌ها و حتی پرستش‌هایی که اغلب به دومیتیان داده می‌شد، به ویژه در ارتباط با فرقه‌های امپراتور در سطح محلی در هفت شهر آسیای صغیر و همچنین سایر شهرها.

سوم، توجه داشته باشید که این وحش به مدت ۴۲ ماه فعال بوده است، و ما قبلاً به این واقعیت توجه کرده‌ایم که ۴۰ ماه به زمان آزمایش، و همچنین زمان حفظ [موجودات] اشاره دارد. بنابراین، این اشاره به ۴۲ ماه، فعالیت وحش را با آنچه در فصل ۱۱ اتفاق می‌افتاد، و همچنین فعالیت شیطان در فصل ۱۲، مرتبط می‌کند. بنابراین، این دلیل دیگری است که وقایع فصل ۱۳ را به ترتیب زمانی پس از فصل ۱۲ نمی‌بینیم.

اما اگر قرار باشد سه سال و نیم یا زمان و نیم زمان، ۴۲ ماه و ۱۲۶۰ روز را به عنوان روش‌های مختلف اشاره به یک دوره زمانی در نظر بگیریم، آنگاه ۴۲ ماه به وضوح این را به اخراج از صحن بیرونی در ابتدای فصل ۱۱ مرتبط می‌کند، که نمایانگر کلیسا در زمان مصیبت و آزمایش است. همچنین، زمان‌ها، زمان و نیم زمان، شهادت دو شاهد در فصل ۱۱، زمان و نیم زمان حفظ فعالیت شیطان و حفظ زن و آزار و اذیت فرزندان در فصل ۱۲، همه این وقایع اکنون با ذکر ۴۲ ماه بیشتر توصیف می‌شوند. بنابراین، فعالیت وحش در ۴۲ ماه را باید به عنوان پوشش دهنده همان دوره زمانی در نظر گرفت که تمام آن اشارات زمانی دیگر در فصل‌های قبلی به آن اشاره کرده‌اند.

چهارمین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این واقعیت است که وحش با مقدسین می‌جنگد، که این نیز ما را به فصل‌های قبلی متصل می‌کند. برای مثال، در فصل ۱۱، آیه ۱۷، این دقیقاً همان کاری است که وحش بیرون آمده از چاه بی‌انتهای انجام داد. او با دو شاهد جنگید.

در فصل ۱۲، آیه ۱۷، دقیقاً همان کاری است که اژدها انجام می‌دهد. سپس اژدها از زن خشمگین شد و رفت تا علیه بقیه فرزندان او جنگ کند. بنابراین، اکنون به طور خاص می‌بینیم که اژدها چگونه با فرزندان زن جنگ می‌کند؟ از طریق جانوری که با مردم و با مقدسین می‌جنگد.

بنابراین، یوحنا دوباره ماهیت واقعی وضعیت آنها را آشکار می‌کند تا به آنها اجازه دهد منبع واقعی مبارزه و آزار و اذیت خود را ببینند. آزار و اذیت آنها به دست یک جانور الهام گرفته از اهریمن است. پنجم، این جانور ادعای حاکمیت بر کل زمین را دارد.

دو نکته در این مورد وجود دارد. توجه داشته باشید که به این موضوع باز خواهیم گشت، اما به زبان جهانی، زبان تقریباً اغراق‌آمیز روم، که بر کل زمین اقتدار دارد، توجه کنید. فکر می‌کنم یکی از دلایل این امر این است که یکی از مضامین غالب مکاشفه که قبلاً در مهر هفتم مکاشفه فصل ۱۱ دیده‌ایم، این است که چگونه پادشاهی جهان به پادشاهی خدا و مسیح او تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، چگونه پادشاهی زمین از

شیطان و وحش اکنون به خدا و بره منتقل می‌شود؟ بنابراین، با تأکید بر سلطه روم بر کل زمین، این به این موضوع کمک می‌کند که چگونه انتقال پادشاهی زمین، جهان، مکاشفه فصل ۱۱، اکنون به دست می‌آید چگونه به حاکمیت خدا و بره منتقل می‌شود، یا چگونه حاکمیت کامل خدا و بره، که در فصل‌های ۴ و ۵ به رسمیت شناخته شده و پرستش می‌شود، در نهایت چگونه بر روی زمین عمل می‌کند؟ بنابراین، به همین دلیل، اکنون، در روم، وحش را می‌بینیم که ادعای اقتدار بر کل زمین را دارد. اما می‌خواهم دو نکته را در این مورد مطرح کنم.

اول از همه، و دو نکته در مورد این بخش. اول از همه، جهانی دانستن اقتدار روم تقریباً اغراق‌آمیز است. و شاید این در نوع ادبیات آخرالزمانی عمدی باشد.

این روش نویسنده برای نشان دادن سلطه کامل و قدرت و اقتداری است که روم در زمین کنونی دارد. اما ممکن است این حس نیز وجود داشته باشد که یوحنا به چیزی فراتر فکر می‌کند. یعنی، حکومت روم صرفاً بخشی از یک تصویر گسترده‌تر است.

حکومت روم صرفاً منادی و بخشی از و پیش‌بینی حکومت بر تمام زمین است که هنوز به خدا و مسیح او، واگذار نشده است. بنابراین، یوحنا از مضمون یا اصل حکومت وحش بر کل جهان الهام می‌گیرد. و اکنون یوحنا این را به عنوان مصداق یا تجلی آن در امپراتوری روم قرن اول تصور می‌کند.

بنابراین، روم صرفاً بیان قرن اول این اصل یا این حکومت و امپراتوری جهانی است که روزی مسیح خواهد آمد و آن را شکست خواهد داد. و در همان آمدن اول خود آن را شکست داده است، اما روزی آن را به پایان خواهد رساند، زمانی که پادشاهی خدا، زمانی که پادشاهی این زمین از شیطان و سلطه او منتقل شده و اکنون به خدا و بره، عیسی مسیح، منتقل می‌شود. بنابراین، اغراق ممکن است عمدی باشد.

باز هم، ممکن است نشان دهد که یوحنا روم را تنها به عنوان تجلی قرن اول می‌بیند. نه اینکه یوحنا امپراتوری‌های متوالی یا یک دوره زمانی را مانند امروز ببیند، بلکه صرفاً روم را تجلی قرن اول این امپراتوری می‌داندست که بر کل جهان حکومت می‌کرد و روزی مسیح برای شکست نهایی آن خواهد آمد. دوم اینکه نکته‌ای که در فصل ۱۳ تکرار شده است، ذکر شده است.

به وحش اختیار داده شد. به وحش این اختیار داده شد. این احتمالاً بار دیگر حاکمیت خدا بر این وقایع را نشان می‌دهد که خدا کسی است که شیطان و فعالیت‌های وحش را کنترل می‌کند.

اینکه او فقط اجازه دارد به این شکل عمل کند. به او فقط توانایی عمل به این شکل داده شده است. بنابراین، همانطور که در جای دیگری از مکاشفه دیده‌ایم، مکاشفه دوگانگی ندارد که در آن دو قدرت در تضاد با یکدیگر باشند تا اینکه سرانجام قدرت خدا بر قدرت شر غلبه کند.

اما همین الان هم قدرت خدا غاصب یا برتر از هر چیز دیگری دیده می‌شود. اینکه او هیچ رقیبی ندارد. چه کسی مانند خداست؟ او هیچ رقیبی ندارد.

هر چقدر هم که این وحش قدرتمند به نظر برسد، هیچ دوگانه‌گرایی واقعی وجود ندارد. خود خدا همچنان بر این وقایع حاکم است و شیطان فقط مجاز به انجام کارهایی است که خدا در حاکمیت خود به او اجازه می‌دهد. بنابراین، به طور خلاصه، هدف وحش اول نشان دادن علت واقعی مشکل مقدسین است.

منشأ واقعی آزار و اذیت و مشکلات آنها، امپراتوری روم در منطقه آسیای صغیر بود. منشأ واقعی این است که این آزار و اذیت از یک هیولای الهام گرفته از اهریمن می‌آید که عامل شیطان است. این از همان قدرت

هیولایی الهام گرفته از اهریمن می‌آید که در پشت امپراتوری‌های هیولایی در دانیال فصل ۷ و سایر حاکمان و امپراتوری‌هایی که بت‌پرست و بی‌خدا بودند و به قوم خدا ظلم می‌کردند و با حکومت خدا مخالفت می‌کردند و خود را قدرت مطلق در جهان می‌دانستند، نهفته است.

همان قدرت الهام گرفته از شیطان اکنون در پشت ادعاهای روم و امپراتور آن و تلاش‌های روم برای سرکوب و نابودی قوم خدا در قرن اول نهفته است. اما برای کسانی که وسوسه سازش دارند، این فصل نشان می‌دهد، که چه چیزی در خطر است و آنها با چه چیزی سازش می‌کنند. سازش با حکومت روم امری خنثی نیست اما سازش با حکومت روم اکنون در نهایت به عنوان بیعت با خود شیطان تلقی می‌شود.

فصل‌های ۱۲ و ۱۳ باید با هم خوانده شوند. وحش نماینده روم چیزی کمتر از عامل شیطان نیست. بنابراین برای آن دسته از مسیحیانی که وسوسه می‌شوند در سبک زندگی خود در امپراتوری روم سازش کنند و از خود راضی شوند، مکاشفه یک زنگ بیدارباش است تا ببینند دقیقاً چه می‌کنند و دقیقاً به چه کسی وفادارند.

پشت سر وفاداری آنها به روم و حتی مشارکت آشکار در فرقه امپراتور، پرستش و وفاداری‌ای که در واقع به اژدها، به خود شیطان، از فصل ۱۰ می‌دهند، نهفته است. بنابراین پشت همه اینها فصل ۱۲ قرار دارد. این تلاش شیطان برای نابودی شخص عیسی مسیح و نابودی قوم اوست.

اما نکته‌ی مهم این است که شیطان قبلاً شکست خورده است. اما به مسیحیان یادآوری می‌کنم که نبرد شما علیه جسم و خون نیست، بلکه علیه حاکمان و قدرت‌های قلمروهای آسمانی است. و اکنون با آن دیدگاه و دانش جدید، آنها قادرند با استقامت، بلکه با حفظ شهادت وفادارانه خود و امتناع از سازش و عدم انطباق با ادعاهای امپراتوری روم بت‌پرست، با وضعیت خود روبرو شوند.

حالا، خیلی خیلی خلاصه، آیات ۱۰، ۹ و ۱۰ از ویژگی‌های متفاوتی برخوردارند. آنها به نوعی الحاقی بین وحش اول و وحش دوم هستند. و اگرچه روایت را قطع می‌کنند، اگر این آیات را حذف کنید، روایت خیلی طبیعی از وحش اول به وحش دوم جریان پیدا می‌کند.

اما در واقع، با شکافتن روایت، آنچه این متون هستند، فراخوانی برای تشخیص و اطاعت هستند. توجه داشته باشید که این متن با این جمله آغاز می‌شود: برای کسی که گوش دارد، بگذار بشنود. به عبارت دیگر همانطور که قبلاً دیده‌ایم، این در درجه اول منظور نیست؛ یوحنا در درجه اول این چیزها را فقط برای ارضای کنجکاوی خوانندگان در مورد آنچه در آینده اتفاق می‌افتد یا آنچه اکنون در حال وقوع است نمی‌گوید.

این به معنای دامن زدن به وسواس ما در مورد وقایع آخرالزمان و فهمیدن اینکه چه زمانی اتفاقات در رابطه ما با یکدیگر رخ می‌دهد، نیست. این عبارت کوتاه به ما یادآوری می‌کند که یوحنا با توجه به این موضوع کلیساهای خود را فرا می‌خواند تا با اطاعت و پشتکار پاسخ دهند. عبارت «کسی که گوش‌هایش تکرار می‌شود» در واقع از فصل‌های دوم و سوم تکرار شده است.

نشانه دیگر این است که این به معنای توصیف وضعیت کلیسا در فصل‌های دوم و سوم است. در آنجا به آنها گفته شده است که کسی که گوش دارد باید به آن شخص اجازه دهد بشنود. حال، همان عبارت اینجا نیز تکرار می‌شود.

این عبارت که «اگر کسی بخواهد به فعالیتی، به اسارت، به اسارت برود، خواهد رفت. اگر قرار است با شمشیر کشته شوند، با شمشیر کشته خواهند شد»، منعکس کننده‌ی زبانی است که از عهد عتیق آمده است. باز هم، ارمیا فصل ۱۵ و آیه دوم، و ارمیا ۴۳ و آیه ۱۱.

و نکته‌ی همه این‌ها این است که خدا، به عبارت دیگر، قوم خدا واقعاً از آزار و اذیت امپراتوری روم رنج خواهند برد، اما واکنش آنها باید استقامت باشد. به عبارت دیگر، با توجه به این واقعیت که فصل‌های ۱۳ آیات ۱ تا ۸ و بقیه‌ی فصل ۱۳ اکنون دیدگاهی آخرالزمانی از این وضعیت ارائه داده‌اند، این اکنون مظهر واکنش قوم خداست.

این یکی از استقامت و آزار و اذیت است. اکنون که آنها به بینش معنوی در مورد اوضاع دست یافته‌اند بنابراین، فصل ۱۳، بسیار شبیه به تمثیل‌های عیسی، که به عنوان روش‌های نمادین یا استعاری برای توصیف وضعیت خوانندگان در نظر گرفته شده بودند، و بسیار شبیه به عیسی که آنها را به داشتن گوش برای شنیدن فراخواند، فصل ۱۳ برای کسانی که گوش برای شنیدن دارند، بینش معنوی لازم را در مورد اوضاع ارائه می‌دهد تا قوم خدا بتوانند با اطاعت و استقامت و پشتکار بدون مانع پاسخ دهند.

اما آنها فقط به این دلیل می‌توانند این کار را انجام دهند که اکنون ماهیت واقعی روم و ماهیت واقعی مبارزه آنها را تشخیص داده‌اند. این ما را به جانور شماره دو می‌رساند. من یک بار دیگر به شما پیشنهاد می‌کنم که جانور شماره دو در آیات ۱۱ تا ۱۷، مجموعه‌ای از وقایع را که به طور موقت پس از یک تا هشت در جانور شماره یک اتفاق می‌افتند، توصیف نمی‌کند.

اما جانور شماره دو به همان دوره و همان وقایعی اشاره دارد که وقایع پیرامون جانور شماره یک در آیات یک تا هشت را پوشش می‌دهد. بنابراین فعالیت جانور شماره یک اینگونه انجام می‌شود؟ از طریق جانور شماره دو. بنابراین با کنار هم قرار دادن همه اینها، به نظر می‌رسد فصل ۱۳ همان وقایع پایان فصل ۱۲ را توصیف می‌کند که در آن اژدها به دنبال زن و فرزندانش می‌رود.

او چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ از طریق جانور شماره یک. اما جانور شماره یک چگونه فعالیت خود را از طریق جانور شماره دو انجام می‌دهد؟ به تمام ارتباطات توجه کنید: جانور اول اکنون ظاهراً به جانور شماره دو اختیار می‌دهد تا از طرف او صحبت کند.

در آیه ۱۲، او اقتدار جانور اول را از طرف خود اعمال می‌کند. پس جانور اول چگونه از طریق جانور شماره دو بر تمام زمین اقتدار اعمال می‌کند؟ و بنابراین کمی در مورد اینکه این جانور چه کسی می‌تواند باشد صحبت خواهیم کرد؟ جانور شماره دو کیست؟ او چگونه اقتدار بت‌پرستانه و آزار دهنده خود را از طریق این جانور اعمال می‌کند؟ دو ویژگی مهم این جانور شماره یک، توجه داشته باشید که او مانند اژدها صحبت می‌کند، که به وضوح او را به اژدهای فصل اول مرتبط می‌کند. و همانطور که دیدیم، او همچنین با وحش مرتبط بوده است زیرا نکته دوم که باید به آن توجه کرد این است که او اقتدار وحش اول را از طرف او اعمال می‌کند. حال سوال این است که وحش شماره دو کیست؟ اگر وحش شماره یک، اگر بگوییم که امپراتوری روم و شاید خود امپراتور که در وحش اول نمایان شده است، بر تمام زمین حکومت می‌کند و با مقدسین می‌جنگد، پس وحش شماره دو کیست؟ من به شما پیشنهاد می‌کنم که وحش شماره دو وسیله خاصی است که خوانندگان مکاشفه که در استان‌های روم، آسیای صغیر زندگی می‌کنند، از طریق آن اقتدار و آزار و اذیت وحش شماره یک روم یا امپراتور را تجربه خواهند کرد.

یعنی، خوانندگانی که در آسیای صغیر و هفت شهری که در فصل‌های دوم و سوم به شما معرفی شده‌اند، چگونه اقتدار آزار و اذیت شیطان و جانور اول را تجربه می‌کنند؟ این از طریق جانور شماره دو است. بنابراین به شما پیشنهاد می‌کنم که جانور شماره دو ممکن است نمایانگر باشد، بدون اینکه خیلی دقیق باشم، جانور شماره دو احتمالاً نمایانگر رهبران و مقامات رسمی در استان‌های آسیای صغیر است که مسئول اجرای چیزهایی مانند پرستش امپراتور هستند. امپراتور، وفاداری به روم و امپراتور را فراخواند و

اعمال کرد و عواقب عدم انجام این کار را نیز اعمال کرد. در واقع، یکی از نکات جالب در این متن، برای کسانی از شما که یونانی می‌دانید یا یونانی می‌خوانید، در این بخش در آیات ۱۱ است و در ادامه، می‌بینیم که نویسنده شکل زمانی افعال را انتخاب می‌کند که در بخش اول فصل ۱۳ پیدا نمی‌کنید.

او از زمان حال استفاده می‌کند، زمانی که قرار است بسیار توصیفی یا برجسته‌سازی باشد. و دلیل اینکه او این کار را انجام می‌دهد، به نظر من، این است که فصل‌های ۱۲ و ۱۳ در اینجا بر خوانندگان ساکن آسیای صغیر تأثیر می‌گذارند. اینگونه است که اقتدار شیطان، اینگونه است که اقتدار جانور اول از طریق رهبران و مقامات و کسانی که در استان‌های آسیای صغیر و شهرهایی که مسئول اجرای وفاداری و پرستش روم و امپراتور هستند، به خوانندگان آسیای صغیر می‌رسد.

و دوباره، عواقب عدم انجام این کار را بدون اینکه لزوماً آنها را به قوم یا گروه خاصی از مردم مرتبط کند، بیان می‌کند. در جای دیگر، این شخص پیامبر دروغین نامیده خواهد شد. به عنوان مثال، بعداً در فصل ۱۴، در فصل ۲۰ در آیه ۱۲، این جانور دوم، سومین عضو تثلیث نامقدس، پیامبر دروغین نامیده خواهد شد.

می‌خواهم به آن برگردم. اما نکته‌ی جالب این است که توضیحات کمی در مورد آن وجود دارد. او به سادگی گفت که مانند اژدها صحبت کنید و مانند بره دو شاخ داشته باشید.

اما آنچه مهم‌تر است، کاری است که این وحش انجام می‌دهد. برای مثال، او مردم را به پرستش وحش اول و می‌دارد، که همانطور که گفتیم، ممکن است نشانه‌ای از پرستش امپراتور در شهرهای آسیای صغیر باشد؛ اکثر آنها دارای تصاویر یا بیشتر آنها معابدی داشتند، نه تنها برای خدایان بیگانه، بلکه بیشتر آنها معابدی به افتخار امپراتور داشتند. در این معابد امپراتوری، پرستش امپراتور صورت می‌گرفت. بسیاری از آنها افرادی و نگهبانانی بر معبد داشتند که مسئول اطمینان از رعایت و حفظ پرستش معبد بودند.

اما ویژگی مهم دیگر این است که در آیات ۱۳ تا ۱۵، این وحش قادر است مردم را از طریق روش‌های مختلفی که به آنها خواهیم پرداخت، فریب دهد تا وحش اول را پرستش کنند. این وحش قادر است مردم را فریب دهد تا وحش را پرستش کنند. برای مثال، اولاً، آتش از آسمان نازل می‌شود و برای تأیید آن، به این زبان فریب مردم و وادار کردن مردم به پرستش وحش توجه کنید.

شماره یک نه تنها به بخش اول فصل ۱۳، بلکه به فصل ۱۲ نیز برمی‌گردد. توجه داشته باشید که شیطان در آیه ۹ از فصل ۱۲ به عنوان مار باستانی، شیطان شیطان، که تمام جهان را گمراه می‌کند یا تمام جهان را فریب می‌دهد، توصیف شده است. اکنون فعالیت فریبنده او، فعالیت فریبنده شیطان توسط جانور شماره یک انجام می‌شود، اما اکنون به طور خاص در میان خوانندگان توسط جانور شماره دو انجام می‌شود که قادر است مردم را فریب دهد تا از جانور اول، روم، و شاید امپراتور آن نیز پیروی و پرستش کنند.

دو نشانه جالب وجود دارد که او اجرا می‌کند. یکی فرود آمدن آتش از آسمان است. دیگری این است که او قادر است به تصویری که خلق شده است، جان ببخشد.

من کمی محتاط هستم که سعی کنم به طور خاص و تحت اللفظی رویدادهای خاصی را که این شبیه آنهاست شناسایی کنم. به عنوان مثال، آیا این اشاره به جادوگران روم قرن اول است که واقعاً می‌توانستند کاری شبیه به این انجام دهند؟ آیا این نمونه‌ای از بطن‌گویی است که برخی آن را توانایی ایجاد یک تصویر به گونه‌ای که گویی می‌تواند صحبت کند، دانسته‌اند؟ ممکن است که این موضوع در پشت آن نهفته باشد اما من فکر می‌کنم این دو تصویر از فرود آمدن آتش از آسمان و دادن توانایی صحبت به تصویر، بار دیگر راه‌های عادلانه‌ای برای تأکید بر قدرت فریبنده امپراتوری روم هستند و احتمالاً از دو متن عهد عتیق الهام

گرفته‌اند. به عنوان مثال، فرود آمدن آتش از آسمان ممکن است الیاس را به یاد آورد که در درگیری خود با انبیای بعل، آتش را از آسمان پایین می‌آورد.

آیا ممکن است که این به نشانه‌های واقعی در امپراتوری روم اشاره داشته باشد؟ این قابل تصور است. اگر به یاد داشته باشید، در سفر خروج، جادوگران توانستند بیشتر نشانه‌ها و بلاهای معجزه‌آسای را که موسی بر مصر نازل کرده بود، تکرار کنند. اما گذشته از آن، فکر می‌کنم این موضوع در درجه اول به زبان عهد عتیق در مورد فرود آمدن آتش از آسمان اشاره دارد که صرفاً برای نمادپردازی توانایی امپراتوری روم در فریب دادن از طریق قدرتش به کار می‌رود.

در مورد تصویری که می‌تواند صحبت کند چطور؟ به احتمال زیاد، این تصویر، همانطور که دیدیم، احتمالاً به متن دیگری از عهد عتیق به فصل سوم دانیال برمی‌گردد، جایی که نبوکدنصر تصویری از خود را برپا می‌کند. این تصویر قرار بود نمایانگر نبوکدنصر و حکومت و اقتدار او بر کل پادشاهی باشد. و بنابراین تصویر اینجا ممکن است نمایانگر تصاویر و مجسمه‌ها و معابدی باشد که در بیشتر این شهرها در آسیای صغیر به عنوان نمایانگر و منعکس کننده حکومت روم و امپراتوری و امپراتور در سراسر امپراتوری، مانند شهرهای آسیای صغیر، پیدا می‌کنید.

اما اینکه می‌تواند به تصویر قدرت صحبت کردن بدهد، شاید نباید خیلی تحت‌اللفظی در نظر گرفته شود، اما بار دیگر نمادی از قدرت روم برای فریب دادن، قدرت روم برای فریب شهروندانش، ساکنانش برای وفاداری و پرستش به خود روم است. نکته دیگری که باید در مورد فعالیت فریبده وحش به آن توجه کرد این است که ما قبلاً به این واقعیت اشاره کرده‌ایم که وحش، شماره دو، قادر به فریب دادن است، فعالیت فریبده شیطان را به یاد می‌آورد، که به خلقت، فصل سوم پیدایش برمی‌گردد، جایی که او آدم و حوا را فریب می‌دهد. و اکنون، در فصل ۱۲ و آیه نهم مکاشفه، او تمام جهان را گمراه می‌کند یا تمام جهان را فریب می‌دهد.

بنابراین، وحش به وضوح روشی است که شیطان از طریق آن به فعالیت فریبده خود ادامه می‌دهد و آن را در نسل خود، وحش شماره دو، به اجرا می‌گذارد. با این حال، من تعجب می‌کنم که آیا یکی دیگر از ویژگی‌های مهم فعالیت فریبده وحش این است که این نیز می‌تواند یکی از دلایلی باشد که او را پیامبر دروغین می‌نامند. وقتی به فصل‌های دوم و سوم مکاشفه، پیام‌های به هفت کلیسا، برمی‌گردید، متوجه می‌شوید که در تعدادی از کلیساها معلمان دروغین یا پیامبران دروغین، چهره‌های نبوی که به نظر می‌رسد یوحنا با آنها در تضاد و اختلاف است، چهره‌های نبوی یا معلمان دروغین وجود دارند که به نظر می‌رسد وظیفه آنها فریب مسیحیان برای سازش با امپراتوری روم، با روم بی‌خدا، ستمگر و بت‌پرست است.

برای مثال، در فصل دوم و آیه ۱۴، در پیام به کلیسای پرغامس، او می‌گوید، با این وجود، من چند نکته علیه شما دارم. شما در آنجا افرادی دارید که به تعلیم بلعام پایبند هستند، کسی که به بالاق آموخت تا بنی اسرائیل را اغوا کند یا آنها را با خوردن غذا، قربانی کردن برای بت‌ها و ارتکاب فساد جنسی به گناه بکشاند. سپس در آیه ۱۵، او می‌گوید، به همین ترتیب، شما کسانی را دارید که به تعلیم نقولایوان پایبند هستند، که احتمالاً آنها نیز به مردم می‌آموزند که با حکومت بت‌پرستان سازش کنند.

فصل دوم و آیه ۲۰، پیام به کلیسای طیاتیرا، با این وجود، من این ایراد را به شما دارم. شما آن زن ایزابل را که خود را نبی می‌خواند تحمل می‌کنید؛ ارتباط جالبی با نبی دروغین دارد، حالا او خود را نبی می‌خواند. و این کاری است که او انجام می‌دهد.

او با تعلیماتش، بندگان مرا گمراه یا فریب می‌دهد و به فساد جنسی سوق می‌دهد. بنابراین، من تعجب می‌کنم که آیا این عامل دیگری در شناسایی جانور شماره دو است یا خیر. این نه تنها منبع فریب پشت امپراتوری

روم و فرقه امپراتور و چیزهایی مانند این است، بلکه توجه داشته باشید که درک این نکته مهم است که جانور قادر است کل جهان را فریب دهد، نه فقط مسیحیان را.

تمام دنیا فریب خورده است. اما از سوی دیگر، من تعجب می‌کنم که آیا اینجا ارتباطی بین وحش و کسانی که در کلیساها هستند، مانند این زنی که او ایزابل می‌نامد و نیکولای‌ها و کسانی که آموزه‌های بلعام را دارند، وجود ندارد، کسانی که کلیسا و ایزابل پیامبر را فریب می‌دهند، کسانی که اکنون کلیسا را با سازش با روم بت‌پرست و دادن وفاداری و پرستش به روم فریب می‌دهند. بنابراین معلم دروغین، پیامبر دروغین بسته به اینکه آیا آنها مقاومت می‌کنند یا اینکه در معرض خطر تسلیم شدن و پیروی از این معلمان دروغین هستند، به شیوه‌ای متفاوت بر خوانندگان فصل‌های دو و سه تأثیر خواهد گذاشت.

یوحنا اکنون منبع واقعی پشت این آموزه‌ها و نبوت‌های فریبنده و آموزه‌های نادرست در کلیسا و همچنین در فعالیت‌های فریبنده در جهان وسیع‌تر را به ما نشان می‌دهد. حال، آخرین کاری که وحش انجام می‌دهد در آیات ۱۶ و ۱۷ است، وحش قادر است تحریم‌های اقتصادی را به ویژه بر قوم خدا، بلکه بر کل جهان اعمال کند، به دلیل امتناع از وفاداری و پرستش وحش که روم و امپراتور آن است تا بتوانند به تجارت پردازند. ظاهراً طبق این آیات، لازم است که آنها علامتی دریافت کنند.

حال، در چارچوب وسیع‌تر مکاشفه، علامتی که در اینجا بر پیشانی خود دریافت می‌کنند، آشکارا تقلیدی از علامت یا مهری است که ۱۴۴۰۰۰ نفر نماد کل کلیسا، یعنی قوم خدا، بر پیشانی خود دریافت می‌کنند. و بنابراین، این علامت احتمالاً به معنای نشان دادن هویت و تعلق است، که همان علامتی است که شما دارید. به عنوان مثال، این علامت می‌توانست به معنای واقعی کلمه در قرن اول نمایانگر یک داغ یا علامت بر روی یک برده باشد که هویت و تعلق را نشان می‌دهد.

در مکاشفه فصل چهارم، ببخشید، و مکاشفه فصل هفتم، به نظر می‌رسد که این علامت همچنین نشان‌دهنده‌ی حفاظت یا حراست است، اما هویت و تعلق را نیز نشان می‌دهد. بنابراین، به جای اینکه این یک علامت واقعی باشد که این افراد باید واقعاً داشته باشند یا نوعی نشان واقعی که می‌توانسته اتفاق افتاده باشد، نمی‌دانم، اما حداقل در گفتمان مکاشفه، به جای اینکه این را خیلی تحت‌اللفظی در نظر بگیریم احتمالاً نمادی از هویت و تعلق است. کسانی که با روم معاشرت می‌کنند، کسانی که وفاداری خود را به روم و امپراتور نشان می‌دهند، اکنون کسانی هستند که مجاز به تجارت، خرید و فروش هستند، که در فصل ششم دیدیم.

لزوماً چیز خوبی نبود که تصویری از زندگی تجاری و اقتصادی روم را دیدیم که به نوعی وارونه و در هرج و مرج، نامتعادل، ظالمانه و ناعادلانه به عنوان بخشی از داوری خدا بر آنها تبدیل شده بود. اما در اینجا، تعلق آنها به روم، از طریق نشان دادن وفاداری خود به روم، شاید از طریق مشارکت در فرقه امپراتور، اکنون نشانه‌ای است که دریافت می‌کنند و به آنها اجازه می‌دهد در تجارت شرکت کنند. آنچه این ممکن است در قرن اول در ذهن داشته باشد، کسانی بودند که، به یاد داشته باشید، در ارتباط با چند کلیسایی که در فصل‌های دوم و سوم مکاشفه در مورد آنها صحبت کردیم، کسانی بودند که به عنوان بخشی از کارشان، ملزم به مشارکت در اصناف تجاری بودند.

اغلب، آن اصناف تجاری خدایان حامی داشتند، اما به آنها نیز تعلق داشتند؛ برای تضمین موفقیت در کسب و کار خود، شما به این اصناف تجاری تعلق داشتید. بخشی از تعلق به آنها به این معنی بود که در مواقع خاص، شما ملزم به شرکت در فعالیت‌هایی بودید که پرستش و وفاداری و قدردانی را نه تنها نسبت به خدایان، بلکه نسبت به امپراتور نیز نشان می‌داد. یعنی، اصناف تجاری و تجارت با فرقه امپراتور ارتباط نزدیکی داشتند.

و ما بارها گفته‌ایم که در روم قرن اول، کشف ارتباط بین تجارت و سیاست و همچنین دین غیرممکن بود. بنابراین، آن بخش از تجارت، بخشی از تعلق به اصناف تجاری، بخشی از مشارکت در تجارت و بازرگانی و کار در امپراتوری روم قرن اول و در کلیساها و شهرهای آسیای صغیر به معنای مشارکت در پرستش خدایان بت‌پرست و همچنین در فرقه بت‌پرستی امپراتور بود. بنابراین تصویر اینجا فشار برای انطباق یا تحمل عواقب اقتصادی خواهد بود.

احتمالاً به همین دلیل است که اسمیرنا فقیر و لائودیکه ثروتمند توصیف شده است. اسمیرنا از سازش خودداری کرد و از سازش با امپراتوری بت‌پرست روم از طریق سیستم مذهبی پرستش امپراتور خودداری کرد. آنها از سازش خودداری کردند و اکنون از عواقب آن رنج می‌برند.

بنابراین آنها به عنوان فقیر و کم اعتبار توصیف می‌شوند، در حالی که لائودیکه شهری بسیار ثروتمند است که احتمالاً نشان‌دهنده تمایل آنها به سازش است. به همین دلیل، آنها در نتیجه این امر، از خود راضی شده‌اند. بنابراین نکته تا اینجا این است که یوحنا در حال آشکار کردن مبارزه واقعی است که کلیساهای آسیای صغیر با آن روبرو هستند، و آن تلاش شیطان است، تلاش شیطانی روم برای فریب قوم خدا با وادار کردن آنها به سازش، با پرستش و وفاداری به وحش و حتی سازش در زمینه تجارت و انجام امور خود و در ارتباط با اصناف تجاری که اکنون با درگیر شدن در فرصت‌ها و مجبور شدن به انطباق با فرصت‌ها و زمان‌ها برای نشان دادن وفاداری به روم و وحش، به امپراتوری روم، وسوسه می‌شوند.

و اکنون یوحنا به آنها یادآوری می‌کند که در پشت همه اینها، تا باب ۱۲، تلاش شیطان برای سرکوب و نابودی قوم خدا نهفته است. باب ۱۳ به آنها بینش معنوی نسبت به اوضاع می‌دهد تا قدرت لازم برای استقامت، تحمل و مقاومت در برابر سازش با امپراتوری بت‌پرست روم را داشته باشند. حال، نمی‌توانیم مکاشفه ۱۳ را بدون گفتن چیزی در مورد نشان وحش در انتهای آن، ترک کنیم.

نکته‌ای که به‌ویژه در آیه ۱۸ مطرح است این است که این امر مستلزم حکمت است. اگر کسی بصیرت دارد، عدد وحش را محاسبه کند. عدد وحش ۶۶۶ است، ۶۶۶.

اما نکته مهم، اول از همه، قرار دادن این موضوع در این زمینه وسیع‌تر است، آیه ۱۸: فصل ۱۳ با آیه ۱۸ به پایان می‌رسد، که فراخوان دیگری برای بصیرت و بینش است. بنابراین این فراخوان در درجه اول برای تلاش برای محاسبه اینکه جانور چه کسی ممکن است باشد یا دجال آخرالزمان چه کسی ممکن است باشد یا چقدر به پایان نزدیک هستیم، نیست. نکته این نیست.

این زبان داشتن حکمت در چارچوب کسی است که گوش دارد، بگذار آن شخص بشنود. یعنی، این فراخوانی برای حکمت است تا بتوانند تشخیص و بینش واقعی نسبت به موقعیت خود داشته باشند. و در اینجا آنها فراخوانده می‌شوند که در مورد عدد این وحش، که ظاهراً با نام او مرتبط است، حکمت داشته باشند.

جالبه. در آیه ۱۷، علامت، نام جانور یا عدد نام اوست. و حالا انسان، در آیه ۱۸، به عددی گفته می‌شود که قرار است انسان یا عدد انسانی محاسبه کند، که همان عدد ۶۶۶ است.

اما اول از همه، باید درک کنیم که این فراخوانی برای بصیرت و خرد در موقعیت آنهاست تا بتوانند واکنش نشان دهند و در برابر سیستم بت‌پرستی پرستش که مجبور به انطباق با آن هستند، مقاومت کنند. اول از همه، دوباره، باید تشخیص دهیم که این اشاره به نام با گفتن اینکه این نشانه‌ای که قرار است دریافت کنند نام وحش است. این به طور عمدی برای تضاد با ذکر نام خدا یا نامی است که قرار است بر مسیحیان در جای دیگری از کتاب مکاشفه نوشته شود.

بنابراین، برای مثال، در فصل ۲ و آیه ۱۷ و فصل ۳ و آیه ۱۲، بخشی از وعده به فاتحان در آن متون این است که نام، نام پدر یا نام اورشلیم جدید بر آنها نوشته خواهد شد. در فصل ۱۴ در آیه ۱، سپس نگاه کردم و آنجا در مقابلم بره بر کوه صهیون ایستاده بود، به همراه ۱۴۴۰۰ نفری که نام او و نام پدرشان بر پیشانی‌شان نوشته شده بود. و در فصل ۲۲، آیه ۴، در بخش پایانی رویای اورشلیم جدید، در انتهای کتاب، در آیه ۴، قوم خدا را توصیف می‌کند، آنها چهره او را خواهند دید و نام او بر پیشانی آنها خواهد بود.

بنابراین نام وحش که بر پیشانی کسانی که اجازه تجارت دارند نوشته شده، در تضاد مستقیم با سایر جاهای، مکاشفه است که در آن نامی، نام مسیح یا نام پدر، بر پیشانی قوم خدا نوشته شده است. بنابراین، احتمالاً، این باید دوباره به صورت نمادین در نظر گرفته شود و بسته به اینکه نام چه کسی را یدک می‌کشد، نشان‌دهنده هویت و تعلق یا وفاداری و ارتباط باشد. اما این ۶۶۶ که این نام با آن شناخته می‌شود چیست؟ و بخشی از دشواری، من تعجب می‌کنم بخشی از دلیل اینکه چرا آنها برای تشخیص این وضعیت فراخوانده شده‌اند، این است که آیا این موضوع ربطی به این ندارد که، چون وحش فریبنده عمل می‌کند، به دلیل ماهیت فریبنده فعالیت وحش، مستلزم بینش و تشخیص از سوی خوانندگان است.

و بنابراین اکنون از آنها خواسته می‌شود که حکمت داشته باشند، زیرا به دلیل ماهیت فریبنده بت‌پرستی، به دلیل آنچه در معرض خطر است، مستلزم آن است که آنها حکمت، بینش و تشخیص نسبت به موقعیت داشته باشند تا در برابر آن مقاومت کنند و در آن غرق نشوند و با آن مطابقت داشته باشند. اما این عدد چیست؟ چیزهای زیادی می‌توان در مورد این متن گفت، اما من می‌خواهم بر چیزی تمرکز کنم که به ۶۶۶ نظر می‌رسد توجه اکثر مردم را به خود جلب کرده است. و آن عدد ۶۶۶ است.

احتمالاً، به گفته اکثر مردم، این نشان دهنده مفهوم رایج در قرن اول چیزی است که گماتریا نامیده می‌شود این یک رسم باستانی بود که حروف الفبا را با اعداد مرتبط می‌کرد. و اتفاقی که می‌افتاد این بود که شما نام یک شخص یا نام چیزی را می‌گرفتید، ارزش عددی هر یک از حروف را که قابل درک و فرض بود، می‌گرفتید و همه آنها را با هم جمع می‌کردید تا به عدد برسید.

و بنابراین، این عدد نوعی کد یا نشانه‌ای از نام خواهد بود. و مثال‌های زیادی از این دست وجود دارد. برای Jesus، lesous در یونانی، اگر مقادیر عددی فرضی هر یک از حروف lesous، مثال، نام عیسی در یونانی در یونانی را در نظر بگیرید، مجموع آن ۸۸۸ یا ۸۸۸ می‌شود.

قرار است B666. برخی حتی گفته‌اند که این اطلاعات مربوط به آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد را ارائه می‌دهد. نوعی تقلید از نام عیسی، ۸۸۸، باشد. این امکان وجود دارد.

اما جالب است که فراخوان نویسنده برای خردورزی معمولاً در اینجا نادیده گرفته شده است. و بنابراین عدد ۶۶۶ موضوع انواع گمانه‌زنی‌ها قرار گرفته است. و گاهی اوقات عدد ۶۶۶ با افراد تاریخی مرتبط دانسته شده است.

برای مثال، در ایالات متحده آمریکا، عدد ۶۶۶ اغلب با خود روسای جمهور مرتبط بوده است. در خارج از ایالات متحده، عدد ۶۶۶ با دیگر حاکمان شرور مانند صدام حسین، آدولف هیتلر یا حتی پاپ در دوران اصلاحات مرتبط بوده است. ۶۶۶ برای ارتباط با برخی پاپ‌ها در کلیسای کاتولیک روم استفاده شده است.

تلاش‌های دیگری نیز برای مرتبط کردن عدد ۶۶۶ با فناوری مدرن امروزی انجام شده است. من شخصاً از زمانی که به آن توجه کرده‌ام، شاهد آن بوده‌ام و ممکن است نمونه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد، اما شخصاً دیده‌ام که عدد ۶۶۶ از نشان دادن بارکد روی اقلامی که خریداری می‌کنید به کارت‌های اعتباری و تراشه‌های رایانه‌ای که مردم فکر می‌کنند روزی در ساعد یا جعبه ما جاسازی می‌شوند تا ما را ردیابی کنند

و مواردی از این دست، تغییر کرده است. همچنین، شما اغلب شاهد هستید که عدد ۶۶۶ انگیزه‌بخش نحوه رفتار مردم است، تقریباً گاهی اوقات عجولانه.

برای مثال، من افرادی را می‌شناسم که عمداً پلاک‌های ماشینشان را برگردانده‌اند، هرچند برایشان هزینه بیشتری داشته است. آنها پلاک‌هایشان را برگردانده‌اند چون عدد ۶۶۶ روی آنها بوده است. یا شماره تلفنشان را عوض کرده‌اند چون ۶۶۶ داشته است.

من شخصی را می‌شناسم که از پرداخت صورتحساب خودداری کرد زیرا مبلغ آن ۶.۶۶ دلار بود. بنابراین عدد ۶۶۶ بر نحوه نگاه ما به مسائل و حتی نحوه تفسیر واقعیت تأثیر می‌گذارد و نقش دارد. اما می‌خواهم دو اصل مهم را به خاطر داشته باشید. اول از همه، از بحث ما در مورد ژانر ادبی مکاشفه و اصول تفسیری ناشی از آن، اول از همه این است که خوانندگان یوحنا می‌توانستند این موضوع را درک کنند.

من مطمئنم که برای خوانندگان یوحنا، این یک راز نبود. این فراخوانی برای خرد بود، و این فراخوان برای محاسبه این عدد کاری بود که آنها می‌توانستند انجام دهند. بنابراین، مشکل این است که ۲۰۰۰ سال بعد ما کسانی هستیم که در تاریکی هستیم و سعی می‌کنیم برای فهمیدن این موضوع تقلا کنیم.

اما اول از همه، خوانندگان یوحنا می‌توانستند و می‌توانستند این را درک کنند. دوم، در رابطه با آن، یکی از مهمترین اصول هرمنوتیکی این است که دیدیم هر تفسیری از مکاشفه برای اینکه قابل قبول و قانع‌کننده باشد، باید چیزی باشد که یوحنا می‌توانسته آن را درک کند و خواندگانش می‌توانستند آن را درک کنند یا یوحنا می‌توانسته آن را مد نظر داشته باشد و خواندگانش که در امپراتوری یونانی-رومی قرن اول در دوران پیش از فناوری، پیش از مصرف، پیش از جنگ مدرن، پیش از سلاح هسته‌ای زندگی می‌کردند، چیزی که می‌توانستند آن را درک کنند و آن را درک کنند. به نظر من، این امر بسیاری از توضیحات ممکن برای عدد را که در طول قرن، به ویژه امروز، ارائه شده است، رد می‌کند، به ویژه آن‌هایی که با ویژگی‌های فناوری ۶۶۶، مدرن روزگار ما یا روش‌های مدرن جنگ و چیزهایی مانند بارکد و رایانه و چیزهایی از این قبیل مرتبط هستند. این است که این اصل، این نوع توضیحات را فوراً رد می‌کند.

جالب است که این به عنوان عدد یک مرد توصیف شده است. اینجا کمی مشکل وجود دارد. آیا منظور از این عدد، عدد انسان است، یا حتی در آن صورت، مطمئن نیستم که به چه معناست؟

عدد انسانی در مقابل عدد فرشته یا چیزی شبیه به آن چه خواهد بود؟ یا وقتی می‌گویند این عدد است، یا می‌توانیم آن را به عنوان عدد یک انسان در نظر بگیریم، این به یک شخص اشاره دارد. آیه ۱۷ قطعاً می‌تواند به این موضوع اشاره داشته باشد وقتی می‌گویند هیچ کس نمی‌تواند خرید و فروش کند مگر اینکه علامت را دریافت کرده باشد، که نام جانور یا عدد نام اوست. بنابراین آیه ۱۷ تقریباً پیشنهاد می‌کند یا ایجاب می‌کند که این عدد به نوعی به خود جانور اشاره یا ارتباطی داشته باشد.

و این به سادگی این سوال را مطرح می‌کند که آن شخص چه کسی می‌تواند باشد؟ به همین دلیل، تاکنون رایج‌ترین توضیح این است که عدد جانور با نام نرو مرتبط است. این رایج‌ترین توضیح است. و این قطعاً منطقی خواهد بود.

این نشان نمی‌دهد که مکاشفه در زمان نرون نوشته شده باشد. ممکن است به سادگی اینطور باشد که با توجه به ماهیت سلطنت نرون و شرارتی که اغلب با او مرتبط دانسته می‌شود، حتی خارج از نگرش مسیحیان نسبت به او در قرن اول، نرون تقریباً به الگوی برای یا تقریباً نوعی از یک امپراتور شریر آینده یا هر امپراتور دیگری تبدیل شده باشد. بنابراین، نرون در اینجا، با استفاده از عدد ۶۶۶ به عنوان اشاره‌ای به نرون، ایده این نیست که نویسنده به معنای واقعی کلمه به نرون اشاره می‌کند، بلکه تقریباً روح نرون، شر نرون، اکنون

بار دیگر در امپراتور رومی تجسم یافته است که اکنون مسیحیان قرن اول در زمانی که یوحنا در حال نوشتن آن است، با آن روبرو هستند.

بنابراین همان روح شیطانی بی‌خدا که نرون و امپراتورش را مجسم می‌کرد، نرون به عنوان الگویی برای شر اکنون در امپراتور فعلی ساکن است و در او ظهور می‌کند، که اگر رایج‌ترین دیدگاه در مورد تاریخ مکاشفه پذیرفته شود، دومیتیان خواهد بود. با این حال، مشکل از پیوند دادن دقیق نام نرون با سال ۶۶۶ ناشی می‌شود. و همانطور که اکثر مردم می‌دانند، این کار واقعاً با زبان یونانی امکان‌پذیر نیست.

اما به همین دلیل اکثر افراد تلاش کرده‌اند نام نرون را با نحوه‌ی املای آن در زبان عبری مرتبط کنند. اما حتی در این مورد هم مشکلی وجود دارد، زیرا نام نرون، حتی در زبان عبری، تنها در صورتی می‌تواند به ۶۶۶ برسد که به شکلی نسبتاً نادر نوشته شود، اگر به شکلی رایج نوشته نشود. یعنی، دوباره، متوجه منظوم می‌شوید؟ تنها راه برای ربط دادن نرون در یونانی به ۶۶۶ این است که فرض کنیم این نشان‌دهنده‌ی املای نرون است. و نه فقط نرون، نرون سزار در زبان عبری، و سپس یک املای نسبتاً نادر از آن.

بنابراین مشکل این است که شما باید فرض کنید، و این تنها راه برای رسیدن به عدد ۶۶۶ است. بنابراین مشکل این است که شما باید دو چیز را فرض کنید. اول اینکه، خوانندگان این کار را می‌کردند، و بسیاری از آنها عبری را می‌فهمیدند.

دوم اینکه، آنها با املای نسبتاً نادر نام نرون قیصر در زبان عبری آشنا بوده‌اند. به همین دلیل، بسیاری به دنبال توضیحات دیگری بوده‌اند، اما من پیشنهاد می‌کنم که هنوز هم این احتمال وجود دارد، به ویژه به دلیل ارتباط بین علامت و عدد و نام امپراتور در آیه ۱۷. بنابراین ممکن است که یوحنا دوباره به نام نرون به عنوان الگویی از شر اشاره کند که اکنون دوباره در دوران حکومت امپراتوری روم در حال ظهور است. همانطور که او می‌نویسد.

احتمال دیگر این است که عدد ۶۶۶ را ببینیم. دیدگاه رایج دیگر این است که آن را به عنوان عدد یک انسان ببینیم، یعنی یک عدد انسانی یا یکی کمتر از عدد کامل هفت. بنابراین ۶۶۶ یکی کمتر از عدد کامل ۷۷۷ خواهد بود.

بنابراین این تعداد بشریت گناهکار، سقوط کرده، بی‌خدا و بت‌پرست خواهد بود که اکنون در حاکم انسانی دومیتیان، تجسم یافته است، که اکنون به عنوان انسانی ناقص، شرور، بت‌پرست و فریبنده به تصویر کشیده می‌شود که از عدد کامل هفت پایین‌تر است. و بنابراین، این روش نویسنده برای تلاش برای ترغیب خوانندگان به تشخیص ماهیت واقعی روم و امپراتور آن با دیدن آن به عنوان یک بی‌خدا و بت‌پرست است. راه دیگری برای تأکید بر ماهیت بی‌خدا و بت‌پرست امپراتوری روم و امپراتور آن که شاید او را با نرون مرتبط می‌کند اما اکنون او را به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که نامش از عدد کامل هفت پایین‌تر است. او در عوض مظهر نقص و شر و بت‌پرستی است و با تشخیص اینکه چه کسی این را تجسم می‌کند، اکنون مسیحیان بهتر می‌توانند در برابر اعمال بی‌خدا و بت‌پرست امپراتوری روم مقاومت کنند و فریب نخورند.

و بنابراین ۱۲ و ۱۳ ما را به پایان بخش بسیار مهمی می‌رساند که به شیوه‌ای واقعاً آخرالزمانی، نه تنها ماهیت واقعی روم را آشکار می‌کند، روم این جانور زشت است که از شیطان الهام گرفته شده و مظهر شر و بت‌پرستی و ظلم و بی‌خدایی از نسل‌ها و امپراتوری‌های قبلی است که اکنون همگی در روم ساکن هستند، بلکه برای مسیحیان منبع واقعی مبارزه آنها را نیز بیان می‌کند. به زبان پولس، مبارزه آنها فقط با جسم و خون نیست، بلکه مبارزه آنها با اقتدار و حاکم قلمروهای آسمانی با خود شیطان است. و اکنون که به این دیدگاه و دانش جدید مسلح شده‌اند، قوم خدا اکنون قادر به درک و دیدن وضعیت خود در نوری جدید هستند.

برای اینکه مسیحیانی که سازش می‌کنند، بیدار شوند و مقاومت کنند، تا متوجه شوند که در معرض چه خطری هستند، و همچنین برای اینکه مسیحیانی که رنج می‌برند و حتی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، وادار شوند که استقامت کنند، تحمل کنند، بمانند و شهادت وفادارانه خود را حفظ کنند، صرف نظر از اینکه عواقب آن چیست.

من دکتر دیو متیوسون هستم در دوره آموزشی‌اش در مورد کتاب مکاشفه. این جلسه شماره ۱۹ در مورد مکاشفه، فصل ۱۳، دو جانور است.